

A Study of the Entries of Reward, Punishment, Heaven, and Hell in Two Quranic Encyclopedias by Orientalists

Alireza Asadi *

Assistant Professor of the Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.

Abstract


Leiden Encyclopedia of the Quran and Oliver Lyman's Encyclopedia of the Quran are among the most important Quranic studies of Orientalists that have been written with the aim of presenting the teachings of the Holy Quran. This article examines the entries of reward, punishment, heaven and hell in these two encyclopedias and explains their methodological and content-related flaws separately. The overlap of some entries with each other, the existence of incomplete entries, citing non-original or invalid sources, incompatibility and inconsistency of the content of articles with each other are among the most important methodological drawbacks, and regarding the teachings of the Quran as an echo of previous religious teachings, considering Satan angelic, depicting heaven and hell with material terms, presenting a harsh and unbalanced image of punishment and reward in the Qur'an, and describing incorrectly the human being's relationship with God's rule and Satan in Hell are among their most important content-related flaws. This article, citing authoritative Islamic sources and referring to solid Quranic arguments, shows that the orientalists who have studied and written on the Quran have not been able to gain an accurate understanding of the religious teachings of the Qur'an, and therefore their encyclopedic works are unreliable.

Keywords: Encyclopedia of the Quran, Orientalists, Heaven and Hell, Reward and Punishment..

* Corresponding Author: asaadi@isca.ac.ir

How to Cite: Asadi, A. (2022). A Study of the Entries of Reward, Punishment, Heaven, and Hell in Two Quranic Encyclopedias by Orientalists, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 13(48), 185-211.

بررسی و نقد مدخل های ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ در دو دایره المعارف قرآنی خاورشناسان

علیرضا اسعدی  * | استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

چکیده

دایره المعارف قرآن لیدن و دانشنامه قرآن الیور لیمن از مهم ترین پژوهش های قرآنی خاورشناسان است که با هدف ارائه معارف قرآن کریم به مخاطبان تالیف شده اند. در این دو دایره المعارف هر چند ادعای می شود که دقیق و منصفانه تدوین شده اند اما در آنها خطاهای روشی و محتوایی متعددی به چشم می خورد. این مقاله درصدد است تا به روش توصیفی و تحلیلی و با استناد به مصادر معتبر اسلامی و استدلال های متقن قرآنی به بررسی مدخل های ثواب و عقاب و بهشت و جهنم در این دو دایره المعارف بپردازد و به این سوال اساسی پاسخ دهد که کاستی ها و اشکالات مقالات بهشت و جهنم و ثواب و عقاب چیست؟ بر اساس مهم ترین یافته های این پژوهش، همپوشانی برخی مدخلها با یکدیگر، استناد به منابع غیر اصیل یا نامعتبر، ناسازگاری و ناهمخوانی محتوای مقالات با یکدیگر از مهم ترین اشکالات روشی، و القای اثرپذیری و پیروی تعالیم قرآنی از تعالیم پیشین، فرشته انگاری ابلیس، تصویرپردازی جسمانی از بهشت و جهنم، ارائه سیمایی خشن و نامتعادل از مسئله کیفر و پاداش در قرآن و تبیین نادرست از ربط و نسبت اختیار انسان با حاکمیت خداوند و نیز ارتباط شیطان با دوزخ از مهم ترین اشکالات محتوایی مقالات این دو دایره المعارف در مسئله مورد بحث است که نشان می دهد نویسندگان نتوانسته اند به فهم دقیقی از معارف اعتقادی قرآن دست یابند.

کلیدواژه‌ها: دایره المعارف قرآن، دانشنامه قرآن، خاورشناسان، بهشت و دوزخ، ثواب و عقاب.

۱. مقدمه

خاورشناسان در دهه‌های اخیر در حوزه مطالعات قرآنی به تدوین دایره‌المعارف‌هایی دست زده‌اند که از مهم‌ترین آنها دایره‌المعارف قرآن (Encyclopaedia of the Quran) به سر ویراستاری خانم جین دمن مک اولیف (Jane Dammen McAuliffe) و نیز دانشنامه قرآن (The Qur'an: an Encyclopedia) به سر ویراستاری الیور لیمن (Oliver Leaman) است. به موازات اهمیت و ارزشمندی این آثار، هر گونه انحرافی در تبیین آموزه‌های قرآنی در چنین آثاری، آسیب‌های جدی‌تر و گسترده‌تری را در پی دارد. از این رو صیانت از آموزه‌های قرآنی و میراث دانشمندان و مفسران بزرگ اسلامی اقتضا می‌کند که همواره این آثار رصد شده و با دقت به بررسی و نقد آنها پرداخته شود. زیرا در آثار خاورشناسان علاوه بر احتمال سوءبرداشت از آموزه‌های قرآن، تعمد در تقریر نامناسب مطالب نیز وجود دارد. در این دو دایره‌المعارف نیز هر چند ادعا می‌شود که دقیق و منصفانه تدوین شده‌اند خطاهای روشی و محتوایی متعددی به چشم می‌خورد.

۲. پیشینه پژوهش

مقالات متعددی به بررسی و نقد کلی دایره‌المعارف‌های قرآنی خاورشناسان (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، بررسی دایره‌المعارف قرآن لیدن، ۱۳۸۵ و رضایی اصفهانی و اعتصامی، بررسی دایره‌المعارف قرآن الیور لیمن، ۱۳۸۸) و یا به بررسی و نقد برخی مقالات آنها پرداخته و نقاط قوت و ضعف آنها را بررسی کرده‌اند ولی تاکنون به مسئله مورد بحث در این مقاله پرداخته نشده‌است.

۳. هدف پژوهش

این مقاله به بررسی مدخل‌های مرتبط با یکی از مهم‌ترین مسائل حوزه اعتقادات یعنی مسئله پاداش و کیفر و نیز بهشت و جهنم می‌پردازد. محور مباحث مقاله پیش رو مدخل‌های «بهشت» نوشته لئه کینبرگ، «ثواب و عقاب» نوشته ویم ریون، «دوزخ» نوشته روزالیند گوئین و «معاد» نوشته جین اسمیت از دایره‌المعارف قرآن و همچنین مدخل‌های

«جنت» و «جهنم» نوشته استفان وایلد از دانشنامه قرآن است. سوال اصلی در این مقاله این است که گزارش خاورشناسان از دیدگاه قرآن نسبت به مسئله بهشت و جهنم و ثواب و عقاب چه کاستی‌ها و اشکالاتی دارد. برای پاسخ به این پرسش پس از توصیف و گزارش برخی از مهم‌ترین خطاهای روشی و محتوایی نویسندگان مقالات، با استفاده از مصادر معتبر اسلامی و استدلال‌های متقن قرآنی به نقد آنها می‌پردازیم.

۴. اشکالات و نقدهای ناظر به روش و اصول دایره‌المعارف نویسی

نویسندگان دایره‌المعارف قرآن و نیز دانشنامه قرآن علیرغم تلاش‌هایی که در جهت رعایت شاخص‌های یک دایره‌المعارف خوب، انجام داده‌اند در مواردی تلاش‌های آنها ناکام مانده و دچار خطاهای روشی متعددی از جمله در مقالات مربوط به بهشت و جهنم و عذاب و ثواب شده‌اند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱-۴. هم‌پوشانی برخی مدخل‌ها با یکدیگر

از مهم‌ترین شاخصه‌های مقالات دایره‌المعارف این است که مقالات به گونه‌ای تدوین و تنظیم شود که واجد کمترین تکرار باشند. مقالات مرتبط با بهشت و جهنم و ثواب و عقاب در این جهت بسیار ضعیف ظاهر شده‌اند. برای نمونه در دایره‌المعارف قرآن هم مدخل «بهشت» آمده است و هم مدخل «جنت». همچنان که هم مدخل «ثواب و عقاب» آمده و هم مدخل «عذاب». به ویژه آنکه محتوای مشترک این مقالات با یکدیگر نیز نسبتاً زیاد است. به جز این مدخل‌ها، مدخل معاد نیز در این دایره‌المعارف به مباحث «عذاب» و «آتش» و «پاداش» و «باغ‌های بهشتی» پرداخته است و با مقالات جداگانه‌ای که در مورد این مسائل نوشته شده است مشترکات بسیاری دارد. از این رو به نظر می‌رسد در انتخاب مدخل‌ها و ویرایش علمی آنها دقت لازم صورت نگرفته است و از آنجا که نویسندگان مقالات افراد متعددی بوده‌اند این تکرار در مواردی موجب ناسازگاری محتوای مقالات با یکدیگر شده است که در ادامه به نمونه‌هایی از این ناسازگاری‌ها اشاره خواهد شد.

۲-۴. استناد به پژوهش‌ها و منابع غیر اصیل یا نامعتبر

دایره‌المعارف‌ها و دانشنامه‌ها کتاب‌های مرجع به شمار می‌آیند و قاعدتاً بر اساس معتبرترین منابع اصیل تدوین می‌شوند و هر چه میزان اهتمام نویسندگان یک دایره‌المعارف به این مهم بیشتر باشد، اثر حاصل از اعتبار بیشتری برخوردار است. اما خاورشناسان در تدوین مقالات خود بر آثار تدوین شده پیشین خود اعتماد و تکیه بسیار دارند.

دایره‌المعارف قرآن منابع پایانی مقالات را به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌کند و منابع اصلی که همان منابع اسلامی است در موضوع مورد بحث غالباً به چند منبع محدود می‌شود. و عمده منابع آثار خاورشناسان است که منابع فرعی و غیر اصلی به شمار می‌آیند. نکته قابل تأمل این است که همین منابع محدود اصلی نیز به گونه‌ای جهت‌دار گزینش شده‌اند.

۳-۴. ناسازگاری و ناهمخوانی محتوای مقالات با یکدیگر

مقالات دایره‌المعارف‌ها و دانشنامه‌ها توسط افراد متعددی نوشته می‌شوند از این رو ممکن است دیدگاه‌های متفاوت آنها موجب شود محتوای مقالات انسجام لازم را نداشته و حتی گاهی با هم ناسازگار باشند. برای حل این مشکل هر دایره‌المعارفی سرویراستاری دارد تا از ناهمخوانی‌های احتمالی مقالات آن بکاهد و به انسجام دایره‌المعارف بیفزاید. در عین حال در دایره‌المعارف قرآن و در مقالات مورد بحث، ناسازگاری‌هایی مشاهده می‌شود. برای نمونه به موارد زیر توجه کنید:

الف) نمونه نخست به ادعاهای مطرح شده در دو مقاله دایره‌المعارف قرآن در مورد جاودانگی دوزخ مربوط است. در مقاله «دوزخ» می‌خوانیم: «آیات قرآن درباره اینکه آیا دوزخ جاودانه است یا نه به قدر کافی روشن‌اند» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۳: ۶۹). در حالی که در مقاله «معاد» در این زمینه به صراحت می‌نویسد: «پرسش چالش‌برانگیزتر این است که آیا کیفر و پاداش اخروی ابدی است؟ البته آنچه چالشی‌تر است بحث کیفر ابدی است آیا دوزخیان تا ابد در دوزخ خواهند بود؟ پاسخ قرآن به این پرسش روشن نیست» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۵: ۲۱۶).

ب) نمونه دیگر چگونگی توصیف بهشت و جهنم است. برخی مقالات از بهشت و جهنم توصیفی کاملاً جسمانی به دست می‌دهند که گویا هیچ جنبه معنوی و روانی در آن وجود ندارد. چنانکه در مقاله «ثواب و عقاب» چنین تصویری از آن ارائه شده‌است و در ادامه به نقد آن خواهیم پرداخت. ولی در برخی دیگر از مقالات، وقتی سخن از بهشت و جهنم به میان می‌آید به جنبه‌های معنوی نیز اشاره می‌شود برای نمونه در مقاله «بهشت»، ذیل عنوان پاداش‌های بهشتی به لذت‌های معنوی (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۷۸) و در مقاله «دوزخ» به دو نوع عذاب جسمی و روحی اشاره شده‌است (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۳: ۶۶).

ج) نویسنده مقاله آتش، که عمده مطالب آن درباره کاربرد آتش در خصوص جهنم در قرآن است می‌نویسد: «در باره خورشید (شمس) در قرآن باید گفت روشن است که چیزی به جز آتش جهنم نیست. گفته می‌شود که در غرب زمین در چاهی از گل و لجن (یا بر اساس قرائتی دیگر در چاهی جوشان، «فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ» (کهف: ۸۶) قرار دارد و روز بعد در مشرق طلوع می‌کند و گفته‌اند که در طی شب همانند الهه خورشید بین النهرینی، شَمَش، باید از جهنم زیرزمینی که مخزنی از آتش دارد عبور کند» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۰).

اینکه از دیدگاه قرآن کریم، آتش جهنم همان خورشید است نه تنها ادعای تحقیق موشکافانه نویسندگان را که در مقدمه دائره‌المعارف قرآن از آن سخن گفته شده‌است زیر سؤال می‌برد، با محتوای سایر مقالات خود دائره‌المعارف و از جمله مقالات مرتبط با موضوع نظیر مقاله دوزخ (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۳: ۶۴۷۰) و یا خورشید (ر.ک؛ مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۲: ۶۰۰-۶۰۱) ناهمخوانی دارد و در هیچ کجا چنین مدعایی مطرح نشده‌است.

۵. اشکالات و نقدهای محتوایی

مهم‌تر از اشکالات روشی و نقد آنها، آن دسته از خطاهایی است که در تبیین تعالیم قرآنی صورت می‌گیرد و ناشی از دریافت نشدن دقیق معارف قرآنی و یا عناد و لجاج است. ما در ادامه فارغ از نیت و انگیزه نویسندگان، برخی از این خطاها را یادآور می‌شویم.

۵-۱. القای اثرپذیری و پیروی تعالیم قرآنی از تعالیم پیشین

اثرپذیری تعالیم اسلامی و بلکه اقتباس قرآن و پیامبر اکرم(ص) از تعالیم عهدین، فلسفه یونان، فرهنگ زمانه و... از مواردی است که خاورشناسان بسیاری بر آن تاکید دارند. آنها همواره می‌کوشند تا تعالیم اسلامی و قرآنی را به عوامل بیرونی پیوند دهند. حتی در مقالات دایره‌المعارفی نیز نویسندگان مقالات غالباً به صورت غیر مستقیم در صدد القای این امر هستند. چنین مواردی در مقالات مورد نظر بسیار است و ما برای نمونه به بیان چند مورد اکتفا می‌کنیم:

(الف) «بسیاری از جزئیات آتش و باغ (در قرآن) بازمانده‌های سنت عهدینی است، در حالی که دیگر توصیف‌ها بازتاب دهنده رنگ و بویی از اشعار کهن عربی‌اند» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۵: ۲۱۳).

(ب) «برخی مفسران نظریه‌ای پرداخته‌اند که می‌گویند آن مکان جایگاه کسانی است که به خودی خود اهل بهشت یا جهنم نیستند که نظریه‌ای شبیه نظریه لیمبو (در الهیات مسیحی) است» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۵: ۲۱۶).

(ج) «در شباهت عجیب به اسطوره پرومته^۱ کیفر الهی، جسمانی است اما مرگ رهایی از آن نیست» (لیمن، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

(د) «منشا موضوع حوریان بهشتی در میان علمای غیرمسلمان مورد بحث‌های بسیار قرار گرفته است. افکار زردشتی، سوءبرداشت از متون قدیمی آشوری و تابلوهای دینی مسیحی از زنان، به عنوان منابع احتمالی آن مطرح گردیده است. لاکسنبرگ^۲ مجدداً فرضیه آشوری را پیش آورد و استدلال کرد که حوریان قرآنی وجود خود را مدیون سوءبرداشتی از کلمه آرامی به معنی انگور هستند» (لیمن، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

۱. Prometheus در اساطیر یونان، از خدایان، که آتش را دزدید و در اختیار انسان قرار داد و بدین دلیل گرفتار خشم زئوس گردید.

2. luxenberg, 200

* بررسی و نقد

چنانکه ملاحظه می‌شود نویسندگان مقالات دایره‌المعارف و نیز دانشنامه قرآن، تعالیم قرآنی را به اسطوره‌ها، عهدین، اشعار کهن عربی، الهیات مسیحی و دیگر مصادر ارجاع می‌دهند. این حجم از شباهت‌یابی و ارجاع به گذشته خواه ناخواه شبهه اقتباس یا اثرپذیری را به ذهن خواننده متبادر می‌سازد. خاورشناسان با طرح این شبهه می‌کوشند اصالت تعالیم قرآنی و وحیانی بودن آن‌ها را زیر سؤال ببرند. مهم‌ترین دلیل ارائه شده از سوی خاورشناسان بر مدعای اثرپذیری و یا اقتباس، آموزه‌های مشترک میان قرآن و عهدین و یا قرآن و برخی تعالیم پیشینیان است.

دانشمندان و قرآن‌پژوهان مسلمان در پاسخ به این شبهه به مواردی همچون وجود منبع مشترک وحیانی برای قرآن کریم و عهدین، نبودن هیچ‌گونه گزارش تاریخی درباره تعالیم پیامبر، امی بودن پیامبر، تحدی و مبارزه طلبی قرآن و تأکید بر وحیانی بودن آن و... استشهاد می‌کنند و آثار مهمی در این زمینه نگاشته‌اند که به تفصیل و به صورت موردی به شباهت آنها در این زمینه پاسخ داده‌است (برای آشنایی تفصیلی با نقد ادعای اقتباس و اثرپذیری قرآن، ر.ک؛ میرعرب: ۱۳۹۹؛ فیاض: ۱۳۹۳).

۲-۵. فرشته‌انگاری ابلیس

الیور لیمن ذیل عنوان «بهشت آدم» به چگونگی آفرینش آدم و حوا اشاره دارد. او در ضمن از مسئله سجده ابلیس یاد کرده و از ابلیس به عنوان فرشته‌ای از فرشتگان الهی نام می‌برد و می‌نویسد: «سپس یکی از فرشتگان (ابلیس) از فرمان خدا برای سجده در برابر آدم سر پیچید» (لیمن، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

* بررسی و نقد

در حالی که غالب دانشمندان اسلامی آن را از جنیان دانسته و در زمره فرشتگان به شمار نیاورده‌اند. حسن بصری و قتاده (ر.ک؛ شیخ طوسی، بی‌تا، ج: ۱، ۱۵۱) و بسیاری دیگر چون ابوالفتوح رازی (ر.ک؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج: ۱، ۲۱۲) زمخشری (ر.ک؛ زمخشری،

بررسی و نقد مدخل‌های ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ در...؛ اسعدی | ۱۹۳

۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۲۷) قمی (ر.ک؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۵۱) سید قطب (ر.ک؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۵۸) ابلیس را از جن می‌دانند. شیخ مفید، شیعه را بر این رأی دانسته (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۸۹) و فخر رازی آن را به معتزله نسبت داده- است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۴۲۸).

بهترین استدلال بر این مدعا، که ابلیس از جنیان بوده است، قرآن کریم است که در آیه شریفه «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ» و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «آدم را سجده کنید»، پس [همه-] جز ابلیس- سجده کردند، که از [گروه] جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید» (کهف/۵۰) به این امر تصریح دارد. بنابراین هر چند در اینکه ماهیت ابلیس چیست اختلاف نظر وجود دارد، از یک مقاله دانشنامه‌ای انتظار نمی‌رود که بدون هیچ گونه اشاره- ای به دیدگاه‌ها و نظرات مطرح شده قاطعانه به فرشته بودن آن حکم کند.

۳-۵. تصویرپردازی جسمانی از بهشت و جهنم

بهشت و جهنم مظهر پاداش و کیفر الهی است که انسان‌ها بر اساس اعمال خود در دنیا از لذت‌های بهشت و یا کیفرهای جهنم برخوردار می‌شوند. برخی خاورشناسان پاداش و کیفر را از منظر قرآن در امور جسمانی منحصر دانسته و کاملاً بهشت و جهنم قرآنی را جسمانی تصویر می‌کنند. برخی از آنها نیز کوشیده‌اند تا لذت‌های جنسی بهشتیان را از منظر قرآن برجسته کرده و تعالیم قدسی اسلام را مورد هجمه قرار دهند. در برخی مقالات دایره‌المعارف قرآن نیز این چنین رویکردی به چشم می‌خورد. برای نمونه به موارد زیر توجه کنید:

الف) مقاله «ثواب و عقاب»، که مهم‌ترین مقاله در این مسئله است تصویری صرفاً جسمانی از پاداش‌ها و کیفرهای بهشت و جهنم به دست می‌دهد. ویم ریون در این مقاله، ذیل عنوان ماهیت جزای اخروی، می‌نویسد: «پاداش این است که در باغ یا باغ‌هایی دلنواز (نک: جنت) که زیر درختان آن نهرها جاری است سکنی می‌گزینند جایی که با طعام و شراب گوارا (نک. خوردن و نوشیدن) پذیرایی می‌شوند لباس‌های گران‌بها (نک: پوشش)

به تن می‌کنند و از خدمت پسران و مصاحبت زنان زیباروی بهره‌مند خواهند شد. عقاب گناهکاران یعنی کافران این است که به دوزخ افکنده می‌شوند جایی که نه می‌میرند و نه زنده می‌مانند و پوست شان کنده می‌شود و شکنجه می‌بینند تا ابد در آتش خواهند سوخت» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۸۳).

ب) جین اسمیت در مقاله معاد، در پایان بحث خود ذیل عنوان عذاب آتش، چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «بنابراین عذاب جهنم در بیان قرآن حالتی جسمانی دارد، نه روحانی یا روانی و اگر ندامتی هم اظهار شود بر اثر عواقب اعمال شخص است، نه به سبب پشیمانی از ارتکاب خود آن اعمال» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۵: ۲۱۴). البته نویسنده در ادامه به این نکته اشاره کرده است که مسلمانان در باره جسمانی یا روحانی بودن عذاب و پاداش اخروی اختلاف نظر دارند و فهم رایج اکثر آنان جسمانی بودن است. ولی همانگونه که از عبارت گذشته روشن شد، بر این باور است که قرآن جسمانی بودن را تأیید می‌کند.

ج) لئه کینبرگ در بخش پایانی مقاله « بهشت » ذیل عنوان پاداش‌های بهشتی می‌نویسد: «یکی از مباحثی که محققان غیر مسلمان به دقت آن را بررسی کرده و در عین حال در معرض انتقاد قرار داده‌اند موضوع زنان بهشتی است که در مقام پاداشی بهشتی به مومنان اعطا می‌شود» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۷۹).

نویسنده با آنکه در ادامه بیان می‌کند متن قرآن نسبت به برخی از احادیث از میانه روی بیشتری در این زمینه برخوردار است مقاله خود را با این عبارات به پایان می‌برد: «توصیف این لذت‌های بهشتی در قرآن به حربه‌ای برای مجادله با اسلام تبدیل شد. این توصیفات قرن‌ها خشم متالهان را برانگیخت... دوشیزگان درشت چشم، میوه‌های خوش طعم و نوشیدنی‌های گوارا، تخت‌های مجلل و امثال آن نزد عیب‌جویان غیرمسلمان بیش از حد دنیوی به نظر می‌رسید». (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۸۰). وی سپس به بیان نقل قول منسوب به عبدالمسیح کندی (احتمالاً قرن سوم) می‌پردازد که به زعم وی تا حدودی ماهیت واکنش غیر مسلمانان را نشان می‌دهد: «همه اینها (توصیفات بهشت در قرآن) فقط برازنده مردمانی کودن، جاهل و عقب افتاده است که از سواد بی‌بهره‌اند و قوه ادراکشان در

بررسی و نقد مدخل های ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ در ...؛ اسعدی | ۱۹۵

سطح سنت های منسوخ و باطل باقی مانده است؛ یعنی جماعتی از اعراب زمخت بادیه نشین که به خوردن سوسمار و مارمولک بیابان خو کرده اند» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۸۰).
الف) در دانشنامه قرآن نیز الیور لیمن ذیل مدخل «جنت» و تحت عنوان تعامل خدا و انسان در بهشت به اختصار به آیات مربوط به استقبال خداوند از برگزیدگان و سلام خداوند به بهشتیان (۳۶:۵۸)، رضوان و خشنودی الهی (۹:۷۲) و نیز لذت مشاهده پروردگار در آیات قرآن کریم (۷۵: ۲۲-۲۳) اشاره کرده و می نویسد: «در مجموع توصیف تعامل خدا با مؤمنان در بهشت در برابر تصاویر انسان مدارانه و واضح لذات شهوانی رنگ می بازد» (لیمن، ۱۳۹۱: ۱۷۳-۱۷۴).

*. بررسی و نقد

در بررسی این تصویرپردازی چند ملاحظه جدی وجود دارد که به تفکیک به آنها می پردازیم:

الف) چنین تصویری از بهشت و دوزخ و پاداش و کیفر الهی نشان از ناآشنایی نویسندگان با تعالیم قرآنی و یا تمرد در عدم انعکاس دقیق آموزه های قرآنی دارد. قرآن کریم به موازات مطرح ساختن نعمت ها و عذاب های جسمانی به پاداش ها و عقاب های روحانی نیز پرداخته است و نباید ماهیت جزای اخروی را به پاداش و عذاب های جسمانی فروکاست. با بررسی دقیق آیات قرآنی می توان نعمت ها و لذت های بهشتی را به دو نوع جسمانی و معنوی تقسیم کرد.

از منظر قرآن کریم برای انسان مومنی که به بهشت وارد می شود، برترین و والاترین لذت و نعمت رضایت و خشنودی خداوند از اوست: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» و هیچ لذت جسمانی نمی تواند جایگزین آن باشد. آیات متعددی به مسئله رضایت الهی از بهشتیان و شادمانی آنها از این امر اشاره دارد (توبه/ ۷۲. نیز ر. ک؛ آل عمران/ ۱۵؛ مائده/ ۱۱۹، توبه/ ۲۱؛ فجر/ ۲۷-۳۰؛ حدید/ ۲۰).

از سوی دیگر بهشتیان نیز از خداوند احساس رضایت کرده، خرسند و شادند: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ؛ خدا از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند» (بینه/ ۸؛ مجادله/

۲۲؛ توبه / ۱۰۰). بهشت، سرایی است که از هر بدی (آل عمران / ۱۷۴؛ زمر / ۶۱)، غم، اندوه و نگرانی (اعراف / ۴۹)، خستگی و ضعف عاری است. رضایت‌مندی بهشتیان از شرایط و احوال خویش به گونه‌ای است که هیچ‌گونه تغییری را در وضعیت خود نمی‌خواهند (کهف / ۱۰۷-۱۰۸).

آنان در بهشت از شنیدن دروغ (نبأ / ۳۵) و سخنان بیهوده (مریم / ۶۲؛ واقعه / ۲۵؛ غاشیه / ۱۱) در امانند و با سلام‌های مکرر (مریم / ۶۲؛ واقعه / ۲۶) به ایشان یادآوری می‌شود که نعمت‌های بهشت، پاداش آنهاست (اعراف / ۴۳).

در مقابل، اگر وضعیت دوزخیان را از منظر قرآن کریم ملاحظه کنیم آنان نیز سخت‌ترین دردها و رنج‌هایشان، عذاب‌های روحی روانی است. خداوند در قرآن کریم از «عذاب مهین» یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ و کسانی که کفر ورزیده و نشانه‌های ما را دروغ پنداشته‌اند، برای آنان عذابی خفت‌آور خواهد بود» (حج / ۵۷). چنانکه ملاحظه می‌شود تعبیر «عذاب خفت‌آور» به جنبه روحی روانی عذاب نظر دارد همچنان که آیه دیگری به «رسوایی و ذلت دوزخیان» (عمران / ۱۹۲) که عناصری روانی و رنج‌آور است اشاره کرده‌است.

علاوه بر این خداوند در برخی آیات از بی‌توجهی خود به دوزخیان و سخن‌نگفتن با آنان یاد کرده و همین امر را عذابی دردناک معرفی می‌کند (آل عمران / ۷۷).

توجه به این قبیل آیات، که در قرآن فراوان است، نشان می‌دهد که نه تنها نمی‌توان لذت‌ها و درد و رنج‌های اخروی را صرفاً جسمانی دانست. بلکه حتی به صورت محکم و متقن نمی‌توان گفت که نعمت‌های جسمانی بهشت از سنخ جسمانی بودن مواهب دنیوی است.

ب) یکی از شبهات مطرح شده نسبت به قرآن کریم، به مطرح کردن لذات جنسی و شهوانی در بهشت باز می‌گردد. برخی خاورشناسان به این شبهه دامن زده و حتی از توصیف جنسی بهشت فراتر رفته و خود پیامبر اکرم (ص) را به این نسبت ناروا متهم

ساخته‌اند که آن حضرت به دنبال مسائل جنسی بوده‌است. آنان توصیفات جنسی از بهشت را بازتاب تمایلات شخصی پیامبر اکرم(ص) دانسته‌اند.

لئو گینبرگ در مقاله بهشت از دایره‌المعارف قرآن گویا در پی القای همین شبهه و تمرکز بیش از حد قرآن بر لذات جنسی در بهشت است، هر چند به صراحت چنین امری را مطرح نکرده و به ظاهر در مقام گزارش واکنش‌های غیرمسلمانان به قرآن کریم است. پایان دادن مقاله با نقل قولی کاملاً خلاف واقع، و بدون اشاره به خدشه‌پذیر بودن آن یا پاسخ‌های مسلمانان به آن، حکایت از تلاش غیر مستقیم نویسنده برای القای این شبهه دارد. انصاف حکم می‌کند که اگر نویسنده بنا داشت به هر دلیلی به این واکنش‌ها اشاره کند، در مقابل به پاسخ مسلمانان و یا حتی واکنش‌های برخی دیگر از اسلام‌پژوهان غربی اشاره می‌کرد. تا مطلب ناصوابی به ذهن مخاطب القا نشود. تصویرپردازی صرفاً جسمانی و یا جنسی از بهشت، نظریه‌ای است که نه تنها با واقعیت سازگار نیست و دانشمندان اسلامی با دلایل محکم به رد آن همت گماشته‌اند بلکه برخی اسلام‌پژوهان غربی نیز به تبیین نادرستی آن اذعان کرده و به رد آن پرداخته‌اند. برای نمونه به نقل سخن «جان دیون پورت» در پاسخ به این شبهه اکتفا می‌کنیم. او می‌نویسد: «... پس از تفکر آشکار می‌شود که آنچه مسیحیان در این باره عموماً تصور کرده‌اند بسیار بیهوده و بی‌معناست. . . این که محمد(ص) در قرآن به مؤمنین استفاده از زن‌ها را وعده داده‌است و از باغ‌های لذت‌بخش و سایر لذایذ و بهره‌ها بحث می‌کند، صحیح است ولی تصور این که مهم‌ترین لذت را در این قبیل چیزها قرار می‌دهد اشتباه است؛ ... محمد(ص) همیشه برای روح، سهم مخصوص به خود را از لذت‌ها قائل بود به این بیان که مشاهده جمال خدا را بزرگ‌ترین لذت‌ها دانست.

وانگهی این که لذایذ بهشت محمد(ص) کلاً جنبه لذایذ جسمی داشته باشد نیز دروغ است؛ زیرا برخلاف این نظریه برخی معتقدند که این بیانات جنبه تمثیل و تشبیه دارد، و مقصود از آن‌ها لذایذ روحانی است، همان‌طور که علمای مکتب مسیحیت معتقدند که

[سرود سلیمان] برای عروس و داماد نیست بلکه باید معنایی روحانی از آن اراده کرد و نمونه‌ای از عشق به مسیح و کلیسایش دانست...» (داون پورت، ۱۳۳۴: ۲۱۳-۲۱۴).

ج) سخن‌کنندی، که لئه گینبرگ بدان استشهاد کرده‌است، با ابهاماتی روبروست. چنان‌که می‌دانید در معرفی عبدال‌مسیح بن اسحاق کِنَدی، گفته می‌شود وی فردی فاضل و مسیحی مذهب بود و تالیفی به نام *الرساله المجیدیه* دارد که جوابی است در ردّ رساله عبدالله بن اسماعیل هاشمی از امیران دولت بنی عباس که در زمان مأمون عباسی (خلافت ۱۹۸-۲۱۸ق) می‌زیست و در آن رساله، کندی را دعوت به اسلام نموده‌است (ر.ک؛ کحاله، بی‌تا، ج ۶: ۱۷۴).

برخی پژوهش‌گران جدل بین این دو شخص را غیرحقیقی دانسته و معتقدند این مکاتبات ساخته یک فرد مسیحی است و گمان می‌رود در قرن چهارم تالیف شده باشد. مؤلف این رساله، هجوم بر اسلام را به خاطر تاثیر بیشتر در قالب یک گفت‌وگو آورده و به خاطر اینکه این هجوم واقعی پنداشته شود، کوشش نموده تا به زبان یکی از فرزندان قبیله کِنَدی که در هر چیز حتی لغت بر بقیه عرب و قریش برتری داشتند، آورده شود و فرد مقابل مسیحی را از دوستان او دانسته تا انگیزه این مجادله کینه شخصی تلقی نشود (ر.ک؛ سزگین، ۱۴۱۲ق: ۵۵-۵۶).

بنابراین استشهاد به چنین کتابی از اعتبار مطلب می‌کاهد و شایسته دایره‌المعارفی که ادعای دقت و انصاف علمی دارد نیست.

۴-۵. ارائه سیمایی خشن و نامتعادل از مسئله کیفر و پاداش در قرآن

از مجموع توصیفات خاورشناسان در مقالات متعدد این دو کتاب چنین بر می‌آید که در قرآن کیفر بر پاداش غلبه دارد و رویکرد قرآن بیش از آنکه رحمانی و بشارت‌دهنده باشد مبتنی بر خشم و انذار است. برای نمونه به موارد زیر توجه کنید:

الف. استفان وایلد در مقاله «جهنم» در دانشنامه قرآن ذیل عنوان راهبرد بلاغی وحشت، پس از اشاره به آیاتی در باره عذاب الهی، می‌نویسد: «هدف اصلی وحی قرآن، القای ترس است» نویسنده ادامه می‌دهد: «راهبرد بلاغی قرآن بیشتر راهبردی انذار دهنده

بررسی و نقد مدخل‌های ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ در...؛ اسعدی | ۱۹۹

است تا راهبردی بشارت دهنده؛ به نظر می‌رسد ترساندن گنهکاران از جذب مومنان مهم‌تر باشد» (لیمن، ۱۳۹۱: ۱۸۳).

ب. او در جای دیگری از همین مقاله می‌نویسد: «شاید وحشتناک‌ترین جنبه، آنکه خدای قرآن خود عامل مستقیم این عذاب است او بی‌رحمانه با عذاب شدید مجازات می‌کند» (لیمن، ۱۳۹۱: ۱۸۱). نویسنده در ادامه به آیاتی از قرآن کریم می‌پردازد که بر شدت عذاب جهنم و گفتگوی خداوند با جهنم تأکید دارد. بر اساس این گفتگو خداوند از آن می‌پرسد: آیا پرشده‌ی؟ و جهنم در پاسخ می‌گوید: آیا باز هم هست؟ (ق / ۳۰).

ج. استفان وایلد ذیل عنوان ساکنان جهنم برداشت خود را از قرآن کریم چنین ابراز می‌کند: «این برداشت که تعداد ساکنان دوزخ بیش از ساکنان بهشت است، تقریباً اجتناب‌ناپذیر است. شیطان از خدا درخواست کرد «اگر مهلتم دهی قطعاً فرزندانم را جز اندکی از آنها، ریشه کن خواهم کرد» (اسرا / ۶۲) و مکرراً تأکید شده که جهنم پر خواهد بود. این فکر هم که بعد از پیدایش اسلام، تنها مسلمانان می‌توانند امیدی به رستگاری داشته باشند ظاهراً در همان حد اجتناب‌ناپذیر است» (لیمن، ۱۳۹۱: ۱۸۲).

*. بررسی و نقد

در عبارات پیش گفته چند ادعای مهم وجود دارد که فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر آموزه‌های قرآنی اقتضا می‌کند آنها را به صورت جداگانه بررسی کنیم.

الف. راهبرد تهدید و انذار در قرآن و هدف اصلی دانستن القای ترس

قرآن کریم نه تنها به هر دو راهبرد بشارت و انذار با هم و در کنار هم توجه داشته است (ر.ک؛ احزاب / ۴۵؛ نیز ر.ک؛ بقره / ۱۱۸ و سبا / ۲۸) بلکه از مجموع ۱۷ موردی که بشارت و انذار در کنار هم آمده، در ۱۳ مورد بشارت پیش از انذار آمده است. این امر یک حقیقت بزرگ را در تعالیم اسلامی نشان می‌دهد و آن اینکه در مجموع، رحمت خدا بر عذاب و غضب او، پیشی دارد. روح حاکم بر تعالیم قرآن کریم، امید، بخشش و رحمت است.

بنابراین اگر در آیاتی از قرآن کریم صرفاً بر انذار تأکید شده در ورای آن حکمتی نهفته‌است و آن اینکه هدف و انگیزه بیشتر مردم از پرهیز از گناهان برخوردار از نعمت‌های بهشت و لذت بردن از آنها نیست، بلکه این ترس از جهنم و عذاب است که آنان را به انجام اوامر الهی و ترک نواهی وامی‌دارد. انسان‌ها در دنیا از لذت‌هایی برخوردارند و لذا وعده برخوردار از نعمت‌ها و لذت‌های نسیه اخروی انگیزه کافی برای ترک این لذات را برای آنها ایجاد نمی‌کند. اما اگر مسئله مجازات و عقاب مطرح شود قضیه تفاوت می‌کند و انسان لذت‌های دنیوی را چون مستلزم عقاب می‌داند، ترک می‌کند. در نتیجه اهتمام قرآن به انذار از این روست که هسته مرکزی هدایت و تبلیغ، انذار است. (ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۴۲-۲۴۷). ولی این هرگز بدین معنا نیست که هدف اصلی قرآن و وحی الهی نیز انذار و ترس باشد.

قرآن کریم برای نزول خود اهدافی بیان فرموده که در سه دسته کلی جای می‌گیرند. بخشی از اهداف قرآن، به بینش و آگاهی بشر مرتبط است؛ مانند غفلت‌زدایی، ارائه بینش‌های صحیح و استدلال بر آنها و ...؛ برخی دیگر از اهداف قرآن با گرایش‌های انسان ارتباط دارد؛ مانند پنددهی و پندپذیری، انذار و تیسیر یا به عبارتی بیم و امید دهی و ...؛ دسته سوم از اهداف قرآن، ناظر به عمل و رفتار آدمی است؛ نظیر شکرگزاری، برپایی جامعه عادلانه و ... (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۲۱-۴۶).

بنابراین اهداف قرآن و وحی صرفاً منحصر در انذار نیست بلکه در قرآن اهداف متعددی مطرح شده که می‌توان آنها را به اهداف نهایی، متوسط و ابتدایی (اولیه) تقسیم کرد. در این میان انذار هدف نهایی شمرده نمی‌شود زیرا خداوند برای خود انذار نیز غایاتی مطرح کرده‌است. هدایت به حق و حقیقت (سجده / ۳)؛ یادآوری و رستگاری (قصص / ۴۶؛ ابراهیم / ۵۲؛ اعراف / ۶۹)؛ تقوا و پرهیزکاری (نوح / ۲-۳؛ انعام / ۵۱؛ نحل / ۲)؛ برخوردار از رحمت الهی (اعراف / ۶۳) از جمله اهدافی است که در قرآن کریم برای انذار آمده‌است.

ب. فزونی تعداد دوزخیان بر بهشتیان

استفان وایلد این ادعا را بر دو پایه استوار کرده‌است: نخست آیات شریفه‌ای با این مضمون که شیطان قسم می‌خورد بنی آدم را از راه حق منحرف سازد و خداوند نیز قسم یاد می‌کند که جهنم را از پیروان شیطان پر خواهد کرد (اسرا/ ۶۲؛ سجده/ ۱۳؛ ۸۲-۸۵). دوم اینکه از دیدگاه مسلمانان تنها خودشان اهل نجات هستند. اما هر دوی ادعای او ناصواب است؛ زیرا این که شیطان قسم یاد می‌کند که فرزندان آدم را منحرف می‌سازد، صرفاً سخن خود اوست و خداوند آن را تایید نکرده‌است بلکه خداوند فرموده‌است که شیطان تنها بر اولیا و دوستان خودش سلطه دارد: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَهُ؛ او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی نیست تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی‌گیرند، و بر کسانی که آنها به او [=خدا] شرک می‌ورزند.» (نحل/ ۹۹-۱۰۰) و تهدید الهی مبنی بر پر کردن دوزخ، در مقابل تهدید شیطان رخ داده‌است و هرگز بدان معنا نیست که خداوند سخن ابلیس یعنی گمراه شدن اکثریت انسان‌ها را تأیید می‌کند. لذا این ادعا که تعداد دوزخیان از بهشتیان بیشتر است مستند قرآنی ندارد. بلکه از آیات قرآن کریم و روایات اسلامی می‌توان برداشت کرد که در نهایت امر این بهشتیان‌اند که در اکثریت‌اند. زیرا تنها منافقان و کفار برای همیشه در جهنم جاویدان خواهند ماند (توبه/ ۶۸).

این ادعا نیز که مسلمانان تنها خود را اهل نجات می‌دانند پایه و اساس قرآنی ندارد؛ زیرا مسأله حق و باطل و مسلمان و غیر مسلمان بودن با مسأله نجات و عدم نجات در آخرت تلازم ندارند. یعنی چنین نیست که لزوماً همه غیر مسلمانان در آخرت مشمول عذاب شده و از نجات محروم باشند. به تعبیر استاد مطهری «آیات و روایاتی که دلالت می‌کند اعمال منکران نبوت یا امامت مقبول نیست، ناظر به آن است که آن انکارها از روی عناد و لجاج و تعصب باشد؛ اما انکارهایی که صرفاً عدم اعتراف است و منشأ عدم اعتراف هم قصور است نه تقصیر، مورد نظر آیات و روایات نیست. این گونه منکران از نظر قرآن کریم، مستضعف و مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ به شمار می‌روند.

به نظر حکماء اسلام از قبیل بوعلی و صدرالمتألهین، اکثریت مردمی که به حقیقت اعتراف ندارند قاصرند نه مقصّر؛ چنین اشخاصی اگر خداشناس نباشند معذب نخواهند بود- هر چند به بهشت هم نخواهند رفت- و اگر خداشناس باشند و به معاد اعتقاد داشته باشند و عملی خالص قریه الی الله انجام دهند پاداش نیک عمل خویش را خواهند گرفت. تنها کسانی به شقاوت کشیده می‌شوند که مقصّر باشند نه قاصر» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۴۱-۳۴۲).

ج. ادعای عذاب بی رحمانه و مستقیم دوزخیان توسط خداوند

سومین مسئله، مباشرت خداوند به مجازات اخروی و توصیف آن به «بی‌رحمانه» است. از قرآن کریم و روایات فراوان استفاده می‌شود که هر چند چهره مُلکی اعمال نیک و بد انسان در این دنیا از بین می‌رود ولی صورت‌های ملکوتی افعال اختیاری انسان در باطن انسان مستقر می‌شود و هر جا که برود همراه اوست و سرمایه زندگی شیرین یا تلخ آینده او می‌باشد از این رو مجازات اخروی از نوع مجازات‌های قراردادی و اعتباری دنیوی نیست بلکه از نوع مجازات‌های تکوینی و حقیقی است (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۷-۲۹؛ همان، ج ۱: ۲۳۰-۲۳۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۱۹-۱۲۱). اگر پاداش و کیفر ما رابطه تکوینی با اعمال دنیوی ما دارند بنابراین ادعای عذاب بی‌رحمانه و مستقیم کاملاً بی‌وجه است. نمی‌توان انتظار داشت که کسی در زمینی هیچ نکارد یا مثلاً خار بکارد ولی میوه‌های شیرین از آن زمین برداشت کند. مولوی در این رابطه می‌گوید:

گر بخاری خسته‌ای خود کشته‌ای
چون ز دست زخم بر مظلوم رُست
ور حریر و قزدری خود رشته‌ای
آن درختی گشت ازو زقوم رُست
آن سخن‌های چو مار و کزدمت
مار و کژدم گشت و می‌گیرد دُمت
(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، بخش ۱۶۶)

۵-۵. ربط و نسبت اختیار انسان با حاکمیت خداوند

ویم ریون نویسنده مقاله «ثواب و عقاب» تحت عنوان ثواب و عقاب در کلام می‌نویسد: «در قرآن، اگر چه صور خیال گوناگون مربوط به سوداگری و قضا به هم آمیخته‌اند اما در کنار یکدیگر سازواری به وجود نیاورده‌اند. در کلام نیز چنین است... اگر آدمی اختیار عمل نداشته‌باشد- حداقل به صورت محدود- دیگر نمی‌توان او را مسئول اعمال خود دانست و در نتیجه موضوع ثواب و عقاب بی‌معنا خواهد بود. اما هر اندازه اختیار انسان بیشتر باشد به همان نسبت حاکمیت خداوند کمتر خواهد شد. به طور کلی می‌توان گفت که در قرآن، حدیث و کلام اسلامی اساساً اختیار انسان تحت الشعاع قدرت خداوند بر نیات و اعمال آدمی است» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۸۶).

*. بررسی و نقد

در این عبارت دو ادعای مهم مطرح شده‌است. نخست اینکه اختیار انسان موجب کاهش حاکمیت خداوند می‌شود. دوم اینکه در قرآن، حدیث و کلام اسلامی اختیار انسان تحت الشعاع قدرت خداوند بر نیات و اعمال آدمی قرار گرفته‌است. بنابراین ویم ریون اولاً ناسازگاری اختیار را با حاکمیت خداوند پذیرفته‌است و ثانیاً ادعا می‌کند که قرآن کریم در عمل جانب حاکمیت خداوند را گرفته و اختیار انسان را محدود کرده‌است.

اما به نظر می‌رسد هیچ یک از این دو مدعا صادق نیست؛ نه بین اختیار انسان و حاکمیت مطلق الهی ناسازگاری وجود دارد و نه قرآن کریم جانب حاکمیت و قدرت مطلق الهی را گرفته و اختیار انسان را تحت الشعاع آن قرار داده‌است. این ادعاها ناشی از سوءبرداشت از برخی آموزه‌های قرآنی از جمله توحید افعالی (و به‌ویژه توحید در خالقیت و قدرت مطلقه الهی)، اراده و مشیت عام الهی و قضا و قدر است که بر گستردگی حاکمیت و سلطنت خداوند دلالت دارد.

کسانی همچون جبریه و اشاعره، با استناد به همین آموزه‌ها و استشهاد به آیاتی از قرآن کریم به نوعی جبرگرایی باور کرده‌اند. به نظر می‌رسد ویم ریون نیز بر اساس آثار اشاعره چنین برداشتی را به قرآن کریم نسبت داده باشد. در حالی که دانشمندان شیعی به

هر سه مسئله مورد اشاره پاسخ داده‌اند. توحید افعالی با اختیار انسان سازگار است زیرا انسان با اختیار خود فعل را انجام می‌دهد اما چون انسان و همه صفات کمالش نظیر علم و قدرت و ... مخلوق خداست، فعل او مستقل به شمار نمی‌آید. به عبارت دیگر علیت خداوند و انسان نسبت به افعال انسانی در طول یکدیگرند و نه در عرض. بنابراین استناد فعل به قدرت انسان نافی استناد آن به خداوند نیست.

در مسئله عمومیت اراده الهی و اختیار انسان نیز حق این است که خداوند وقوع فعل را اراده می‌کند ولی اراده خداوند به وقوع فعل به تنهایی تعلق نمی‌گیرد بلکه خصوصیات آن نیز متعلق اراده الهی واقع می‌شود. از جمله خصوصیات فعل انسانی، ارادی بودن آن است. بنابراین خداوند اراده کرده‌است که انسان با اختیار و اراده خودش افعال خود را انجام دهد. مثلاً با اراده خودش سخن بگوید. از این رو افعال انسان با اراده خودش انجام می‌شود و این نافی تعلق اراده خداوند به آن فعل نیست (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۹۹-۱۰۰).

سومین مسئله، شبهه ناسازگاری قضا و قدر الهی با اختیار انسان است. پاسخی که دانشمندان شیعه به این شبهه داده‌اند این است که خداوند همه پدیده‌ها را قطعی می‌سازد و تحقق می‌بخشد ولی این قطعیت یافتن پدیده‌ها از طریق اسباب و علل خاص به آنهاست و خداوند هر چیزی را از طریق علل آن می‌آفریند. در افعال اختیاری انسان نیز اراده انسان جزء اجزای علت تامه آن فعل است لذا قضا و قدر الهی نافی ارادی بودن افعال انسان و نقش انسان در افعال خود نیست. همچنان که تعلق قدرت انسان به افعال خود نافی سلطنت و قدرت الهی نیست زیرا این دو در عرض هم نیستند.

بنابراین در مجموع هر دو ادعای ویم ریون در این مقاله مردود است و نظریه اختیار با حاکمیت و سلطنت الهی از منظر قرآن کریم ناسازگار نیست. ناسازگاری تنها در صورتی تصور می‌شود که کسانی به اختیار مطلق یا به تعبیری به نظریه تفویض باور داشته باشند که البته این نظریه هم مردود است. توهم عدم انسجام ناسازگاری در آموزه‌های قرآنی ناشی از عدم درک نظریه امر بین الامرین است. نظریه‌ای که اهل بیت (ع) مطرح کرده و شیعه آن را

بررسی و نقد مدخل های ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ در ...؛ اسعدی | ۲۰۵

شرح و بسط داده است و احتمالاً ویم ریون از فهم آن محروم بوده است. بر اساس این نظریه استناد افعال انسان به خدا و انسان هر دو امکان پذیر است زیرا انسان را در عرض خداوند نمی بیند. چنانکه ملاصدرا می نویسد تفویض گرایان به اسباب قریب فعل و جبر گرایان به سبب الاسباب نظر کرده اند و از اسباب متوسط و ترتیب صدور آنها غفلت ورزیده اند. ولی کسی که به درستی می نگرد به نظریه امر بین الامرین باور دارد. چنین کسی قلبش دارای دو چشم است. با یک چشم به خداوند نظر می کند و همه چیز را، چه خیر و چه شر، به قضای الهی و قدر او نسبت می دهد و با چشمی دیگر به خلق نظر می کند و تأثیر خلق را در افعال به واسطه قدرت و کمک الهی اثبات می کند و نه به طور استقلال (ر.ک؛ ملاصدرا، ۱۳۰۲ق: ۲۰۱-۲۰۲).

۵-۶. ارتباط شیطان با جهنم

از جمله مسائلی که رُزالیند گوئین در مقاله دوزخ بدان پرداخته است مسئله ارتباط شیطان با دوزخ است. او در این زمینه می نویسد: « اگر دوزخ قرینه معکوس بهشت است آیا شیطان مسئول است؟ بر خلاف شاخ و برگ هایی که در تفاسیر بعدی به این ماجرا داده شده، ارتباط شیطان با مناطق دوزخی در قرآن نسبتاً ضعیف است. آن طور که گفته شده است او در برابر گناهکاران قرار می گیرد تا آنها را شماتت کند (ابراهیم / ۲۲) اما در تنها آیه دیگری که او را در دوزخ نشان می دهد گفته شده که این کیفر گناهان اوست. (ابلیس) گفت: به من بگو این کسی را که (خدایا) بر من برتری دادی برای چه بود؟ اگر تا روز قیامت مهلتم دهی قطعاً فرزندانش را جز اندکی از آنها ریشه کن خواهم کرد. و خدا فرمود: برو که هر کس از آنان تو را پیروی کند مسلماً جهنم سزایتان خواهد بود که کیفری تمام است (اسراء / ۶۲-۶۳)» (مک اولیف، ۱۳۹۰، ج ۳: ۶۷-۶۸).

*. بررسی و نقد

رزالیند گوئین در این عبارات به مسئول نبودن شیطان در قبال دوزخ و دوزخیان و نیز ضعیف بودن ارتباط شیطان با مناطق دوزخی از منظر قرآن کریم اشاره کرده است. به گمان

او تنها دو آیه در قرآن به ارتباط شیطان با دوزخ پرداخته‌است. یکی آیه ۲۲ سوره ابراهیم که در آن شیطان هر گونه مسئولیتی را از خود در قبال دوزخیان نفی می‌کند. و مورد دوم آیات ۶۲ و ۶۳ سوره اسراء؛ که بر خلاف ادعای رزالدین گوئین شیطان را در دوزخ نشان نمی‌دهد بلکه تنها در این آیات وعده عذاب جهنم به شیطان داده شده‌است.

این درحالی است که قرآن کریم ارتباط شیطان با دوزخ را بسیار گسترده‌تر و وثیق‌تر می‌داند و هم بر دوزخی بودن خود شیطان و هم به نقش و مسئولیت او در دوزخی ساختن افراد تأکید دارد. علاوه بر آیاتی که با توصیف ویژگی‌های دوزخیان آنها را به صورت کلی معرفی می‌کند و آن اوصاف شیطان را نیز در بر می‌گیرد (انفال/۳۷) آیات متعددی به دوزخی بودن شیطان و جنود و پیروان او دلالت دارد (مریم/۶۸؛ نیز ر.ک؛ ملک، ۵؛ حشر، ۱۶-۱۷). از سوی دیگر شیطان نقش موثری در سرنوشت دوزخیان دارد. آیه شریفه‌ای که نویسنده مقاله بدان استشهاد کرده صرفاً در مقام این است که فریب و وسوسه شیطان، موجب جبر و سلب اختیار از دوزخیان نمی‌شود و انسان همچنان با اختیار خود خیر یا شر و سعادت یا شقاوت را بر می‌گزیند ولی نافی نقش وسوسه‌ها و فریب شیطان در سوء اختیار انسان نیست.

اصولاً درخواست مهلت شیطان از خداوند و تهدید شیطان به گمراه ساختن انسان‌ها مبتنی بر همین تاثیرگذاری در سرنوشت انسان است. و خداوند بارها و بارها نقش گمراه‌کنندگی و بسترسازی او را برای دوزخی شدن برخی آدمیان مورد تأکید قرار داده- است (نساء، ۱۲۰-۱۲۱. نیز ر.ک؛ حجر/۴۲-۴۳؛ اعراف/۱۸؛ اسراء/۶۳ و مریم/۶۸).

بحث و نتیجه‌گیری

آثار دایره‌المعارفی و دانشنامه‌ای خاورشناسان در حوزه اسلام و قرآن کریم، هر چند از این جهت که می‌تواند به ترویج اندیشه و فرهنگ قرآنی اسلامی در جهان بینجامد، امری مثبت تلقی می‌شود اما از این جهت که غالباً با برداشت‌های ناصواب یا القای واژگونه تعالیم قرآنی و اسلامی همراه است، آسیب‌هایی به همراه دارد. زیرا خاورشناسان قرآن پژوه به دلایل متعددی نتوانسته‌اند معارف اعتقادی قرآن را آن‌گونه که هست دریافت کرده و در

بررسی و نقد مدخل‌های ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ در... | اسعدی | ۲۰۷

آثار خود بازتاب دهند. از این رو به منظور پیش‌گیری از تحریف باورهای قرآنی و اسلامی لازم است تا نقد عالمانه مقالات مربوط به حوزه اعتقادات باید در دستور کار قرار گیرد. طبیعی است ترجمه این دایره‌المعارف‌ها به زبان فارسی اهمیت این نقد را مضاعف ساخته‌است. در این مقاله به مدخل‌های پاداش و کیفر و بهشت و جهنم پرداخته شد که از مهم‌ترین مسائل حوزه معارف اعتقادی اسلامی است که در دایره‌المعارف‌هایی که خاورشناسان بازتاب یافته‌است. بررسی این مدخل‌ها نشان داد که اولاً نویسندگان حتی گاهی اصول و ضوابط نگارش مقالات دایره‌المعارفی را نیز رعایت نکرده‌اند. هم‌پوشانی برخی از مدخل‌ها با یکدیگر، استناد به پژوهش‌ها و منابع غیر اصیل یا نامعتبر و ناسازگاری و ناهمخوانی محتوای مقالات با یکدیگر گواه این مدعاست. ثانیاً ادعای دقت و انصاف نویسندگان در تدوین مقالات دایره‌المعارفی، ناصواب است. خطاهائی همچون فرشته‌انگاری ابلیس؛ تصویرپردازی جسمانی از بهشت و جهنم؛ ارائه سیمایی خشن و نامتعادل از مسئله کیفر و پاداش در قرآن؛ تبیین نادرست ربط و نسبت اختیار انسان با حاکمیت خداوند و ارتباط شیطان نادرستی این ادعا را به خوبی اثبات می‌کند. از این رو برای فهم معارف قرآنی هرگز نباید حتی به آثار دایره‌المعارفی خاورشناسان اعتماد کرد.

ORCID

Alireza Asadi



<http://orcid.org/0000-0003-0176-681X>

پروژه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم. ترجمه فولادوند.
- ابوالفتح رازی. حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اسدی، علی. (۱۳۹۶). «بررسی و نقد نظریه اقتباس قرآن از عهدین». *معرفت ادیان*. تابستان. سال هشتم. شماره ۳۱.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. ج ۱. قرآن در قرآن. قم. مرکز نشر اسراء.
- حمزه لویان، علی و مفتاح، محمدهادی. (۱۳۹۴). «نقد نظریه اقتباس قرآن از ادب زمانه با تحلیل دیدگاه یوسف دره حداد». *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*. زمستان. سال سوم. شماره ۴.
- داون پورت، جان. (۱۳۳۴). *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*. ترجمه سید غلامرضا سعیدی. تهران: اقبال.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. ج ۲. بیروت: دارالکتاب العربی.
- سزگین، فؤاد. (۱۴۱۲ق). *تاریخ التراث العربی*. مجلد اول. بخش ۴. ترجمه محمود فهمی حجازی. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- سید قطب. (۱۴۲۵). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار الشروق.
- شاکر، محمد کاظم و قیاض. محمد سعید. (۱۳۸۹). «سیر تحول دیدگاه‌های خاورشناسان در مورد مصادر قرآن». *مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث*. سال چهل و سوم. شماره ۱.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۴. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- غزالی. ابوحامد محمد. (۱۴۱۶ق). *مجموعه رسائل الامام الغزالی*. الدرہ الفاخره. بیروت: دار الفکر.
- فخر رازی. (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*. ج ۲۴. بیروت. دار احیاء التراث العربی.

بررسی و نقد مدخل‌های ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ در...؛ اسعدی | ۲۰۹

فیاض. محمد سعید (۱۳۹۳). *فرضیه اقتباس قرآن کریم از مصادر غیر الهی: بررسی و نقد شبهات* خاورشناسان. چاپ اول. قم. نشر فلاح.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کحاله، عمرضا. (بی تا). *معجم المؤلفین*. ج ۶. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

لیمن، الیور. (۱۳۹۱). *دانشنامه قرآن*. ترجمه محمد حسین وقار. تهران: انتشارات اطلاعات.

مصباح یزدی. محمد تقی. (۱۳۹۲). *قرآن شناسی*. ج ۲. تحقیق و نگارش غلامعلی عزیزی کیا. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۴). *آموزش عقاید*. ج ۳. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. ج ۱. قم: صدرا.

مک اولیف، جین. (۱۳۹۰). *دایره‌المعارف قرآن*. ترجمه حسین خندق آبادی و دیگران. تهران: انتشارات حکمت.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۰۲). *مجموعه رسائل التسعه*. رساله قضا و قدر. قم: مکتبه المصطفوی.

مولوی. مثنوی معنوی. دفتر چهارم. بخش ۱۳۵.

میرعرب، فرج‌الله. (۱۳۹۹). *بررسی ادعای اقتباس قرآن از عهدین*. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

Holy Quran, Translated by Fooladvand

Abulfutuh Razi, Hossein ibn-Ali (1988). *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Janan fi Tafsir Al-Quran (The Cool Breeze of Paradise and [God's] Breath for the Soul in exegesis of Quran)*, Mashhad, Islamic Research Institution of Astan Quds Razavi

Asadi, Ali. (2017). "Review and critique of the theory of Quran adaptation form the Bible", *Marefate Adyan, summer issue*, 8(31).

Javadi Amoli, Abdullah. (2002). *Thematic commentary on Holy Quran*, Volume 1, Quran in Quran, Qom, Esra Publishing center

Hamzeh Luyan, Ali; and Mofateh, Mohammadhadi. (2016). "Critique of the theory of Quran adaptation from the civility of the time with analysis of Yusuf Durrah haddad's viewpoint", *Literary-Quranic Studies*, Winter, 3(4).

- Davenport, John. (1955). *An Apology for Mohammed and the Koran, Translated by Seyyed Gholamreza Saeidi*, Tehran, Eghbal.
- Zamakhshari, Mahmoud ibn Umar (1987). *Al-Kashaaf an Haqa'iq Qavamiz at-Tanzil*, Volume 2, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.
- Sezgin, Fuad (1992). *Tarikh al-Turath al-Arabi (The History of Arab Heritage)*, Volume 1, Part 4, Translated by Mahmoud Fahmi Hejazi, Qom, *Maktabat Ayatullah al-Uzmā al-Marashi al-Najafi*.
- Sayyid Qutb (2004). *Fi Zalal al-Quran (in the shade of Quran)*, Beirut, Dar al-Shuruq.
- Shaker, Mohmmadkazem; and Fayyaz, Mohammadsaeid (2010). "Evolution of the views of orientalis regarding origins of Quran", *Quran and Hadith Research Journal*, 43(1).
- Shikh Tusi, Mohammad ibn Hasan (unknown). *Al-Tibbyan fi Tafsir al-Quran, Beirut, Daar Ihya' al-Turath al-Arabi*.
- Tabatabaei, Mohammadhossein (1970). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The criterion in Interpretation of Quran)*, Beirut, Muassesat al-Elmyiah li-l-matbu'at
- Tabarsi, Fazl ibn-Hasan (1993), *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qurn*, Volume 4, 3rd ed., Tehran, Naser Khosrow.
- Ghazali, Abu-Hamid Muhammad (1996). *Collection of writings of al-Imam al-Ghazali*, Durrat al-Fakhirah, Beirut, Daar al-Fekr
- Fakhr Razi (1999). *Al-Tafsir al-Kabir (the great exegesis)*, Volume 24, Beirut, Daar Ihya' a-Turath al-Arabi
- Fayyaz, Mohammadsaeid (2014). *The hypothesis of adaptation of Holy Quran from non-divine origins: review and critique of uncertainties of orientalis*, 1st ed., Qom, Fallah Publication.
- Qomi Mashhadi, Mohammad ibn Mohammadreza (1989). *Kanz al-Daqa'iq Wa Bahr al-Qara'eb (Treasure of Niceties in the Branches [of Jurisprudence])*, Tehran, Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
- Umar Rida Kahhalah (unknown). *Mu'jam al-Mu'allifin*, Volume 6, Beirut, Daar Ihya' a-Turath al-Arabi
- Leaman, Oliver (2012). *The Qur'an: An Encyclopedia*, Translated by Mohammadhossein Vaghar, Tehran, Ettela'at Publication.
- Mesbah Yazdi, Mohammadtaghi (2013). *Quranology*. Volume 2, research and composition by Gholamali Azizikia, Qom, Research and Education Institution of Imam Khomeini Publication.
- Mesbah Yazdi, Mohammadtaghi (1995). *Teaching beliefs, Volume 3, Tehran, Print and Publication Center of Islamic Publicity Organization*.
- Motahari, Morteza (1993). *Collection of Works of Martyr Motahari*, Volume 1, Qom, Sadra.

بررسی و نقد مدخل های ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ در ...! اسعدی | ۲۱۱

McAuliffe, Jane (2011). *Encyclopedia of the Quran*, Translated by Hossein Khandaghabadi et al., Tehran, Hekmat Publication.

Mollasadra, Mohammad Ibn Ibrahim (1923). *Collection of nine essays, Qaza wa Qadar (Predestination)* pamphlet, Qom, Mahtabat al-Mostafavi

Rumi, Masnavi Ma'navi, ۴مجله، Volume 4, Section 135.

Mirarab, Fajrollah (2020). *Review of the claim on Adaptation of Quran from the Bible*, Qom, Publication of Islamic Science and Culture Research Center



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: اسعدی، علیرضا. (۱۴۰۰). بررسی و نقد مدخل های ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ در دو دایره المعارف قرآنی خاورشناسان، فصلنامه علمی پژوهش نامه معارف قرآنی، ۱۳(۴۸)، ۱۸۵-۲۱۱.

DOI: 10.22054/RJQK.2022.65749.2525



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.